اَلْباب	اَلْماضي	اَلْمُضارع	اَلْأَمر	اَلْمَصدَر
اِستِفعال	اِسْتَـرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَـرْجِعُ: پس می‌گیرد	اِسْتَـرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِـرْجاع: پس گرفتن
اِفتِعال	اِشْتَغَلَ: کار کرد	يَشْتَغِلُ: کار می‌کند	اِشْتَغِلْ: کار کن	اِشْتِغال: کار کردن
اِنفِعال	اِنفَتَحَ: باز شد	يَنفَتِحُ: باز می‌شود	اِنفَتِحْ: باز شو	اِنفِتاح: باز شدن
تَفَعُّل	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخَرُّج: دانش‌آموخته شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

ترجمه کن فعل های ثلاثی مزیدرا سپس معین کن نوع باب را.

تَرجِمِ الْأَفعالَ الثُّلاثيَّةَ الْمَزيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوعَ الْبابِ.

باب استفعال

ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِستَغفَرَ: آمرزش خواست	يَستَغفِرُ: آمرزش می خواهد	اِستِغْفار: آمرزش خواستن	اِستَغفِرْ: آمرزش بخواه

باب افتعال

ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِعتَذَرَ: پوزش خواست	يَعتَذِرُ: پوزش می خواهد	اِعْتِذار: پوزش خواستن	اِعتَذِرْ: پوزش بخواه

باب انفعال

ماضی	مضارع	مصدر	امر
اِنقَطَعَ: بریده شد	يَنقَطِعُ: بریده می‌شود	اِنْقِطاع: بُریده شدن	اِنقَطِعْ: بریده شو

باب تفعّل

ماضی	مضارع	مصدر	امر
تَكَلَّمَ: سخن گفت	يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	تَكَلُّم: سخن گفتن	تَكَلَّمْ: سخن بگو